



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: نوآوری در فقه/بانکداری/ریا

گاهی ربا جزئی از کلی و گاهی به عنوان شرط قرار می‌گیرد، اولی مثل اینکه ۵ من گندم یا برنج عالی با ۱۰ من برنج یا گندم پست تر معاوضه بشود که این قسم مسلماً حرام می‌باشد و بحثی ندارد و اما دومی مثل اینکه ۵ من گندم عالی با ۵ من گندم پست مبادله می‌شود منتهی شرط می‌شود که ۵ من اضافه تر به صاحب گندم عالی داده شود، صاحب جواهر فرمودند فرقی بین این دو مورد نیست و هر دو تکلیفاً حرام و وضعاً باطل می‌باشند.

در باب شروط چند قاعده داریم، اول اینکه "المؤمنون عند شروطهم"، امام رضوان الله علیه در کتاب "الرسالات الفقهية والاصولية" درباره این قاعده ابتدا اینطور فرموده که این قاعده چند شرط دارد؛ اول اینکه مخالف کتاب الله نباشد، دوم اینکه مخالف سنت نباشد، سوم اینکه محرم حلال و محلل حرام نباشد و چهارم اینکه منافی مقتضای عقد نباشد و بعد ایشان خبری را از باب ۲۹ از ابواب مهور نقل کرده که عنوان باب این است: «باب ۲۹: أن من تزوج امرأة وشرط أن يبدها الجماع والطلاق وعليها الصداق بطل الشرط» و اما خبر مذکور نیز این خبر است: ﴿محمد بن علي بن الحسين يأسناده عن محمد بن قيس، عن أبي جعفر عليه السلام نه قضی فی رجل تزوج امرأة وأصدقته هي واشترطت عليه أن يبدها الجماع والطلاق، قال: خالفت السنة، ووُليت حقا ليست بأهله، فقضى أن

عليه الصداق ويده الجماع والطلاق وذلك السنة. ورواه الكليني عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن ابن بكير، عن بعض أصحابنا، عن أبي عبد الله عليه السلام مثله. ورواه الشيخ بإسناده عن محمد بن علي بن محبوب، عن ابن أبي نجران، عن عاصم بن حميد، عن محمد بن قيس، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قضى علي عليه السلام، وذكر مثله إلا أنه قال: إن علي الرجل النفقة.﴾<sup>۱</sup>

قبلا عرض کردیم که در آخر "من لا يحضره الفقيه" و همچنین در آخر جلد دوم جامع الرواة طرق شیخ صدوق نقل شده و در جامع الرواة ذکر شده که طریق شیخ صدوق به محمد بن قیس حسن بیهیم بن هاشم چونکه ظاهراً نظر ایشان این بوده که عدالت ابراهیم بن هاشم ثابت نیست ولی خوب بوده هرچند که آقای بروجردی و علماء دیگر و همچنین ما در کتاب رجالی که داریم نوشته ایم که ابراهیم بن هاشم نیز مانند فرزندش علی بن ابراهیم بسیار خوب و موثق بوده و اما همانطور که می‌بینید خبر دلالت دارد بر اینکه شرط مذکور خلاف کتاب و سنت و منافی مقتضای عقد و محرم حلال و محلل حرام در عقد نکاح می‌باشد.

ملا احمد نراقی در کتاب "العوائد" در صفحه ۱۲۶ و در عائده شماره ۱۵ همین قاعده "المؤمنون عند شروطهم" را ذکر کرده و مورد بحث و بررسی قرار داده و بسیار مفصل بحث کرده و بعد فرموده آیا اگر شرط فاسد بود عقد نیز باطل و فاسد می‌شود یا اینکه فقط خود شرط باطل و فاسد می‌شود؟ و اینکه آیا اگر مشروط علیه به

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۵، ص ۴۱، ابواب مهور، باب ۲۹، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

صدقة ولنا هدية ثم أمر بطبخه فجاء " فجرت خ ل " فيها ثلاث من السنن.<sup>۲</sup>  
خبر سنداً صحیح می باشد.  
بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على  
محمد و آله الطاهرين

شرط عمل نکرد مشروط له خيار شرط دارد یانه؟ و اینکه آیا مشروط له حق دارد نزد حاکم شرع برود و بگوید مشروط علیه به شرطش عمل نمی کند یانه؟ خود مرحوم نراقی می فرماید عقد لازم است و شرط حق مشروط له هست و در صورت عدم عمل به شرط، حق دارد به حاکم شرع رجوع کند.

خب واما با توجه به مطالب مذکور یکی از مطالب بسیار مهم در بحث ما قاعده شرط یعنی "المؤمنون عند شروطهم" و همچنین اینکه آیا شرط فاسد مفسد عقد هست یا نه می باشد که علامه بجنوردی در جلد ۳ قواعد الفقهية قاعده شرط را مطرح کرده و در جلد ۴ اینکه آیا شرط فاسد مفسد عقد است یا نه را مطرح و مورد بررسی قرار داده.

یکی از ادله ای که علامه بجنوردی در قواعد الفقهية برای این بحث (شرط فاسد مفسد عقد است) به آن استدلال کرده حدیث بریره می باشد، خبر این است:  
﴿محمد بن علي بن الحسين باسناده عن عبيد الله بن علي الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام انه ذكر أنه بريرة كانت عند زوج لها وهي مملوكة فاشترتها عايشة فأعتقتها فخيرها رسول الله، ان شاءت تفر عند زوجها وان شاءت فارقته وكان مواليها الذين باعوها قد اشترطوا ولائها على عايشة فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: الولاء لمن أعتق، وصدق علي بريرة بلحم فأهدته إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فعلقته عايشة وقالت: ان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يأكل الصدقة، فجاء رسول الله صلى الله عليه وآله واللحم معلق، فقال: ما شأن هذا اللحم لم يطبخ؟ قالت: يا رسول الله صدق به علي بريرة وأنت لا تأكل الصدقة فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: هو لها

<sup>۲</sup> وسائل الشريعة، شيخ حرعاملی، ج ۱۶، ص ۴۰، ابواب العتق، باب ۳۷، حدیث ۲، ط الاسلامية.